

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مهدی ضمیری برلین

۱۸ می ۲۰۲۰

کرونا و گرایشهای فاشیستی در کشورهای غربی

در طول تاریخ صد ساله گذشته، بشر با ناملایمات عدیده ای روبه رو بوده از جمله جنگ جهانی اول و دوم که علاوه بر خسارات مالی میلیون ها نفر انسان را به نابودی کشاند و تا آنجا که ممکن بود به بافت جغرافیای اقتصادی آسیب رساند. کشورهای اروپائی که اکثراً سفید پوست هستند قاره افریقا را تقریباً خالی از جوانان این قاره کردند و بیش از صد میلیون نفر از آنها را به عنوان برده به اروپا و بعداً به امریکا منتقل کردند.

اوج این تحقیر در جنگ جهانی اول اتفاق افتاد که به جز افریقا تمامی قاره های دیگر را در بر می گرفت ولی تقسیم ثروت جهان هنوز به اتمام نرسیده بود که تدارک جنگ جهانی دوم را آلمان نازی و ایتالیای فاشیست با طرفداران نژادپرست سراسر اروپا شکل دادند و خود را آماده جنگ دیگری کردند پایان جنگ جهانی اول تکلیف کشورهای اروپائی و آسیائی را تا حدودی روشن کرد.

چون دیگر سرزمینی برای تقسیم باقی نمانده بود طمع اشغال منابع طبیعی مخصوصاً معدن، طلا و نفت دوباره این کشورها را به جان هم انداخت تا جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۱ به پایان رسید.

و تقسیم جهان شکل تازه ای به خود گرفت کشورهای اروپای غربی، شرقی و شمال آن به علت جغرافیای اقتصادی ثروتمند توانستند به پیشرفت هائی دسترسی پیدا کنند ولی طمع غارت منابع کشورهای دیگر همواره انگیزه اشغال دیگر کشورها بود در جنگ جهانی اول روسیه و جاپان بخش بزرگ آسیا را از آن خود کرده بودند.

جاپان، فیلیپین، استرالیای فعلی، کوریا و بخش بزرگی از خاک چین را اشغال کرد تا زمینه جنگ جهانی دوم را فراهم کند. پیمان نظامی و همکاری کشورهای اروپای غربی تحت رهبری آلمان نازی و ایتالیا شکل گرفت و آماده حمله به مناطق ثروتمند روسیه شدند که تازه سروسامان گرفته بود و با انقلاب تزارها را به زیر کشیده بود.

همزمان جاپان هم در چین به تهاجم گسترده دست زد و مناطق وسیعی را اشغال کرد ولی موفق به شکست چین و اشغال کامل آن نشد با آلمان اتحادیه نظامی مشترکی را سازماندهی کردند و جنگ جهانی دوم را در سال ۱۹۳۹ آغاز کردند.

این اتحادیه فاشیستی آنقدر وحشی و نابود کننده بود که بیش از هشتاد میلیون نفر مردم دنیا را به کام مرگ کشاند و جغرافیای اقتصادی کشورها را به هم ریخت ولی باز هم زمینه جنگ تازه ای را تدارک دیدند که امریکا، اتحاد شوروی، چین آلمان و ایتالیا در مجموع قاره اروپا تحت رهبری آلمان نازی جنگ فراگیر دیگری را را تجربه کردند، که تمام دنیا را در گیر خود کرد. این جنگ در صدد نابودی اتحاد شوروی و جلوگیری از انقلاب چین بود که شرایط

انقلاب در سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ را آماده کرده بود ۱۹۴۵ جنگ جهانی به پایان رسید فاشیسم شکست خورد آنهم سنگین و جمهوری خلق چین و تمامی کشورهای اروپای شرقی خود را از شر فاشیسم هیتلری آزاد کردند و به بلوک شرق پیوستند.

عدم موفقیت اتحاد شوروی در زمینه رفاه اجتماعی به همراه اروپای شرقی که نتوانسته بودند از جغرافیای اقتصادی به نحو احسن استفاده کنند و اگرایی در این بلوک آغاز شد و در سال ۱۹۸۹ اتحاد شوروی از هم پاشید چون بازدهی تولیدی نداشت و رفاه اجتماعی بشدت کاهش پیدا کرده بود و به دنبال آن تمامی کشورهای اروپای شرقی سقوط کردند مدل شوروی با تجربه ناموفقی که داشت از آنجا که از جغرافیای اقتصادی به نحو احسن نتوانست بخوبی بهره مند شود پس زده شد و مدل اروپای غربی را در سرلوحه کار خود قرار داد.

جغرافیای اقتصادی کشورها به هم خورد و اروپای شرقی به بلوک نظامی ناتو پیوست و دوباره تضادها شکل تازه ای به خود گرفت اروپا ضعیف شد و جامعه آن نشان داد که پیر شده و باید جای خود را به نسل امروزی واگذار کند. امریکای شنگول و منگول که شکست اتحاد شوروی را پیروزی خود و اروپا می دید الان متوجه شده که دیگران بازدهی قبلی را ندارد و از همه لحاظ به جز نظامی جایگاه سابق و موقعیت خود را از دست داده است و کشورهای هم پیمان هم برایش تره خورد نمی کنند اگرچه تلاش کرد اروپا و آسیا را پشت سر خود ردیف کند تا جنگ دیگری را برای شکست چین راه اندازی کند که حالا متوجه شده هم خودش پیر و فرسوده شده و هم هم پیمانان اروپائی و دیگر کشورها هم راه خودشان را طی می کنند.

امریکا و غرب حالا کرنا را مستمسک قرار داده تا شاید مثل نازیهای آلمان یک جبهه نظامی برای درهم شکستن چین تشکیل دهند ولی جهان آماده آن نیست و چین را هم نمی شود به این راحتی درهم شکست چین غرب و امریکا نیست که فقط تکیه به نیروی نظامی بکند ساختار این کشور رفاه اجتماعی است و تولید ثروت برای آینده این کشور بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیونی با مدرن ترین ابزارهای دفاعی مجهز است قدرت چین رفاه اقتصادی و ثروت طبیعی آن است تازه اکثریت قریب به اتفاق مردم و شرکت فعال آنها در همه امور کشور است و تفاوت از زمین تا آسمان است. جنگ ها معمولا به عادلانه و ناعادلانه تقسیم می شوند جنگ عادلانه دفاع مشترک از منافع مشترک است و ناعادلانه چون پشتوانه ندارد نه شکل می گیرد و نه پیروز می شود هدف نهائی مهار سلطه گران و دفاع از منافع ملی و دست آوردهای بشری است.

به فاشیسم شانس سر بلند کردن نخواهیم داد و در صدیم تا از دست آوردهای بشری دفاع کنیم هر دو انقلاب شوروی و چین دست آورد تاریخ بشری است بازدهی تولیدی و استفاده از امکانات موجود و تغییر آن به نفع رفاه اجتماعی مردم، ساختار اقتصادی با بازدهی بالا می طلبد که ضامن امنیت جمعی است و همه از آن نفع می برند و در نهایت رفاه اجتماعی که همه مردم از آن بهره مند می شوند و در آن شرکت فعال دارند دست آورد تجربه زندگی اجتماعی کردن و تغییر طبیعت برای تضمین رفاه اجتماعی ادامه دار همان تکامل اجتماعی برای رفاه اجتماعی است.